

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به قلم گنادی زیوگانوف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه

مترجم: ا. م. شیری

۱۱ دسمبر ۲۰۲۰

تحصیل و امنیت کشور

یادداشت مترجم: تأثیر مخرب انطباق شیوه نئولیبرالی سرمایه‌داری در جهان به ویرانی تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی منجر گردید. هجوم ویرانگرانه‌ای که به نظام آموزش و پرورش و اصول تربیتی کشورها بر اساس برنامه منفور موسوم به "برنامه ۲۰۳۰" صورت گرفت و اطلاعات حیاتی کشورها را افشاء کرد، خاص روسیه یا فقط برخی کشورها نیست، بلکه، مانند یک بیماری مسری، همه‌جائی و همه‌گیر است.

فجایی که پس از کالائی کردن آموزش و پرورش و واگذاری بخش عمده آن به بخش خصوصی در ایران روی داده و همچنان ادامه دارد، نه تنها بی‌شبهت به حمله به نظام آموزشی و تربیتی روسیه نیست، بلکه، شدت گسترده‌تر و فراگیرتر از آن است. چه که در روسیه خلاف کشور ما، کمبود فضای آموزشی به طور کلی وجود ندارد. نوشتار پیش رو، اساس و مبنای فاجعه کالائی کردن آموزش و پرورش را توضیح می‌دهد.

هموطنان محترم!

اوضاع در زمینه تحصیل باعث نگرانی‌های هر چه بیشتر در جامعه روسیه گردیده است. برای من اثبات این واقعیت دشوار نیست که تحصیل شالوده‌ای است که اقتصاد، علم، فرهنگ و سایر عرصه‌های هر کشوری بر روی آن بنا می‌شود. آینده جوانان، استحکام کشور و امنیت آن به کیفیت این پایه بستگی دارد.

در سال ۱۹۱۷ در روسیه ۷۵ درصد جمعیت بی‌سواد بود. کمیته فوق‌العاده مبارزه با بیسوادی این مشکل را در عرض چند سال حل کرد. در همان زمان، حاکمیت اتحاد شوروی ۷ میلیون کودک بی‌سرپرست را نجات و آموزش داد. این یک دستاورد بزرگ و بی‌سابقه در تاریخ بشر بود. مدیر مرکز مطالعاتی کنگره ایالات متحده امریکا -مدرس- طی یادداشت تحلیلی برای کمیته علمی ناتو نوشت: "چهل سال پیش کمبود نومیدانه کادرهای آموزش‌دیده وجود داشت تا مردم اتحاد شوروی را از وضعیت دشوار نجات دهد. اما امروز اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی حق ایالات متحده برای سلطه بر جهان را به نبرد فرا می‌خواند. این موفقیت در تاریخ معاصر نظیر ندارد".

در عین حال، در اتحاد شوروی بهترین نظام آموزش ابتدائی، متوسطه، فنی-تخصصی و عالی جهان بر مبنای سنن مدرسه روسی ایجاد گردید. بدروستی همین نظام آموزشی بود که صنعتی کردن کشور و انجام انقلاب فرهنگی، ایجاد

علوم و صنایع دفاعی قدرتمند را امکان‌پذیر ساخت، که نقش تعیین‌کننده در پیروزی بر فاشیسم هیتلری ایفاء کرد. جنرال‌های المانی بصراحت می‌گفتند، که در آن جنگ معلم اتحاد شوروی پیروز شد.

نظام آموزشی ما برای بازسازی کشور پس از ویرانی‌های وحشتناک سرعت بی‌سابقه بخشید. **پرتاب نخستین ماهواره به مدار زمین در جهان، پرواز یوری گاگارین به فضای کیهانی،** ایجاد برابری راکتی - هسته‌ای نه فقط پیروزی علم و فن‌آوری اتحاد شوروی، حتی مقدم بر همه، پیروزی مدرسه اتحاد شوروی بود. در مجموع در مدت چند دهه میهن ما از کشور کاملاً کشاورزی به یک کشور صنعتی پیشرو تبدیل گردید. اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی ۲۰ درصد تولیدات صنعتی، بیش از یک چهارم محصولات الکترونیک، ۲۶ درصد وسایل برقی را تولید می‌کرد. یک سوم مسافران جهان با هواپیماهای "ایل و تو" (دو نمونه از هواپیماهای ساخت اتحاد شوروی. مترجم) به مقصد پرواز می‌کردند.

توجه حاکمیت اتحاد شوروی نه تنها در ابلاغیه‌ها، بلکه، در اقدامات مشخص بازتاب می‌یافت. تا سال ۱۹۴۱، ۸٪ بودجه اتحاد شوروی، سال ۱۹۴۵، ۹٪، سال ۱۹۵۰، ۱۴٪ به تحصیل اختصاص داده می‌شد. به دنبال ما رقیب اتحاد شوروی - ایالات متحده آمریکا همین مسیر را در پیش گرفت. واکنش آن به پرتاب ماهواره در سال ۱۹۵۷ چگونه بود؟ رئیس جمهور آمریکا اظهار داشت، که ایالات متحده آمریکا فضاء را در پشت میز مدرسه به روس‌ها باخت. در سال ۱۹۵۸ در ایالات متحده آمریکا قانون تحصیل به سود منافع دفاع ملی تصویب گردید، که بر اساس آن مبالغ هنگفتی برای رسیدن به اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی اختصاص داده شد.

اما نظام آموزش و پرورش آمریکائی کمافی‌السابق نتوانست به موفقیت دست یابد. به همین سبب مجبور شدند تعداد زیادی دانشمند متخصص علوم طبیعی از خارج، از جمله، ده‌ها هزار نفر دانشمند متخصص کودکان و مهندس از روسیه وارد کنند. در جهان این پدیده را فرار مغزها می‌نامند. و کشور ما یکی از قربانیان اصلی فرار مغزها در سه دهه اخیر شمرده می‌شود. تقریباً یک و نیم میلیون نفر فوق‌متخصص به جست و جوی کار در جهان مجبور شدند.

با درک این که بنیان نظام آموزش و پرورش میهن ما بیش از آن مستحکم است که بتوان "از راه طبیعی" آن را ویران کرد، از سال ۱۹۹۱ به سرعت به یکسری اقدامات جنائی هدفمند برای از بین بردن تحصیل سنتی روس و اتحاد شوروی دست زدند. ایده و دستورالعمل آن در یک سند محرمانه با عنوان "آموزش و پرورش در روسیه. دوره گذار" بیان شده که بلافاصله پس از به توپ بستن شورای عالی روسیه بانک جهانی تدوین نمود. دشمنان کشور ما بدون کمترین تأخیر، نظام آموزش و پرورش ما را به "رگبار" بستند.

این برنامه با حمله مستقیم به منافع هر خانواده، که آینده ۳۷ میلیون انسان جوان را تحت تأثیر قرار می‌داد، گام به گام توسط مقامات عالی رتبه و "استون پنجم" اجراء می‌شود. امروز در فدراسیون روسیه به رغم داشتن ثروتهای هنگفت در صندوق رفاه ملی و ذخایر عظیم طلا و ارز، ۳ و ۶ دهم تا ۳ و ۹ دهم از بودجه دولت به آموزش و پرورش اختصاص داده می‌شود. این میزان برابر است با همان مقداری که در شرایط بد اقتصادی روسیه در سال ۱۹۹۴ تخصیص داده شد. این در حالی است که همه کشورهای توسعه یافته بیش از ۷٪ از بودجه سالانه خود را به این امر اختصاص می‌دهند. این وظیفه پنهانی نیست که آموزش و پرورش و توسعه تربیت هماهنگ شهروندان به منظور ایجاد لایه‌ای از "مصرف‌کنندگان واجد شرایط"، دارای نقص اخلاقی، ضعف ذهنی و از نظر جسمی ناسازگار تغییر داده می‌شود.

قبل از همه تلاش‌هایی به عمل آمد تا دانشگاه‌های تربیت معلم را که از تداوم میراث بزرگ معنوی و مهارت مدرس حراست می‌کنند، منحل نمایند. سپس قالب آموزشی دولت فدرال را به اجراء بگذارند. آنها فضای واحد آموزشی را

ویران کردند و اصول متعفن تنوع را به کار بستند. در نتیجه، الزامات تدوین شده واضح برای کیفیت و محتوای آموزشی از بین رفت. دولت عملاً مدارس را به حال خود رها کرد. برای نگهداری و توسعه آنها بودجه کافی اختصاص داده نشد. این مشکلات را به مناطقی منتقل کردند که اغلب پول نداشتند. به همین سبب، حل این مشکلات به "کمک داوطلبانه" اولیای دانش‌آموزان منوط گردید.

اما بدترین اتفاق با اجرای طرح آزمون سراسری رخ داد. معلمان و اولیای دانش‌آموزان را به مزیت انکارناپذیر این روش نسبت به آزمون سنتی مطمئن ساختند. گویا این روش جدید به هر کس امکان می‌دهد تا از دورترین گوشه روسیه به هر مؤسسه آموزشی معتبر وارد شود. اما در گوشه-گوشه کشور پهناور ما عملاً کمبود معلم و وسایل آموزشی وجود دارد. در نتیجه اجرای برنامه آزمون سراسری اشکال فعال آموزش، ارتباط کلامی و مذاکره از بین رفت. فارغ‌التحصیلان امروزی نمی‌توانند منطقی و مستقل بیندیشند، مقایسه و تحلیل نمایند، پاسخ خود را ردیف کنند. آنها برای تسلط کامل بر برنامه تلاش نمی‌کنند.

به موازات این، ضربه زدن به آموزش ابتدایی را شروع کردند. اما معلم مدرسه ابتدایی مادر دوم است. آنجاست که ماهرترین و آگاهترین آموزگاران قادر به تدریس طیف گسترده‌ای از موضوعات کار می‌کنند.

دیوان‌سالاری کردن وحشتناک روند آموزش، آموزگاران و مدرسان دانشگاه‌ها را از امکان آمادگی مؤثر برای تدریس و سخنرانی محروم می‌سازد، امکان خودآموزی و ارتقاء سطح تخصص را از آنها سلب می‌کند. وضعیت مالی بخش عمده معلمان همچنان در حد نیمه‌گدائی باقی می‌ماند. اگر در مسکو معلمان به حساب کمک هزینه‌های شهری حقوق مناسب دریافت می‌کنند، در بسیاری از مناطق روسیه میزان حقوق معلم ۵-۷ برابر از مسکو کمتر است. و کاهش هزینه‌های آموزش و پرورش در بودجه موجب بدتر شدن این وضع در سال‌های آتی خواهد شد.

الغای بهترین نظام آموزش حرفه‌ای در جهان عملاً شدیدترین ضربه را نه فقط به آموزش و پرورش، حتی به اقتصاد روسیه وارد کرد. تأمین مالی آنها را به عهده بودجه ناچیز مناطق واگذار نمودند. سپس سعی کردند مسؤلیت آموزش کارگران را به عهده تجارت بزرگ واگذار نمایند. طبیعتاً، از آن هم امتناع شد. و امروز الیگارشی به بهانه کمبود کارگر ماهر، به خصوص، در زمینه گسترده‌ترین حرفه‌ها مانند متصدیان دستگاه‌های تولیدی، جوشکاران و چلنگران غر می‌زند... نتیجه این شد که در سامانه فضائی یک پیچ را محکم نمی‌کنند، با چکش بر سرش می‌کوبند و راکت به ارزش میلیارد روبل، هنگام پرتاب منفجر می‌شود.

تحصیلات عالی نیز از منطقه تخریب عمومی به دور نماند. وزیر آموزش و پرورش **لیوانوف** با یکسری اقدامات وحشتناک، مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌ها را ادغام نمود و تیم‌های علمی و آموزشی را از بین برد. آن زمان آنها یک شوخی تلخ کردند: دانشکده‌های نفت و گاز و دندانپزشکی را به این بهانه با هم ادغام کردند، که فرایند مته‌زنی و حفاری در هر دو انجام می‌گیرد.

ضربه خائنانه به آموزش نظامی و علوم دفاعی به واسطه وزیر دفاع بدنام **سردیوکوف** وارد شد. به عنوان مثال، انتقال آکادمی مشهور جهان، آکادمی مهندسی نیروی هوایی **ژوکوفسکی** از **مسکو** به **وارونژ** چنان آسیب وحشتناکی به علوم هوایی زد، که سال‌های طولانی درد آن را حس خواهیم کرد. یکسری آموزشگاه‌ها و آکادمی‌های شناخته شده که اغلب آنها در زمان پطر کبیر تأسیس شده بودند، به وضعیت مشابهی دچار شدند. انحلال کامل برخی از این دانشکده‌های نظامی، آموزش کادر افسری را بشدت تضعیف کرد، این مقام دولتی با شوخی بی‌مزه خود حتی بیمارستان‌های ارتش را هم مسخره کرد.

همانطور که می‌بینیم جامعه آشکارا تحمیق می‌شود. این یک تهدید جدی برای امنیت ملی است. اگر ده‌ها هزار متخصص قادر به مدیریت دستگاه‌های پیچیده نداشته باشیم، تلاش در راستای ایجاد تجهیزات پیشرفته نظامی برای ارتش، نیروی بحری، نیروی هوایی و نیروی فضائی چه ارزشی دارد؟ آیا زمان آن نرسیده است که روسیه قانونی برای آموزش به نفع دفاع ملی تصویب کند؟

ما در بسیاری از عرصه‌ها هنوز با ذخایر علمی و فنی اتحاد شوروی زندگی می‌کنیم. اما دانشمندان، مهندسان، تکنسین‌ها و کارگرانی که در زمان نابودی اتحاد شوروی ۴۰ ساله بودند، اکنون ۷۰ ساله هستند. در سالهای اخیر اقداماتی برای احیای اعتبار آموزش فنی به عمل می‌آید. با این وجود، در حال حاضر فاصله زیادی بین نسل‌های سالمند و جوان به وجود آمده است. آن حلقه میانی که می‌بایست این دو نسل را به همدیگر پیوند دهد، به بازار، به سخن دقیق‌تر، به راهزنان بازار واگذار گردید.

برنامه درسی اتحاد شوروی شامل ۱۷-۱۹ موضوع بود. جناب فورسنکو تا همین اواخر در نظر داشت یک "برنامه حداقل" مشتمل بر ۴ موضوع را به ما تحمیل کند (ورزش، روسیه در جهان "مطابق نظر جورج سورس"، ایمنی زندگی، زبان خارجی). اگر آنها بخواهند دروس ریاضیات، فزیک، کیمیا، زیست‌شناسی را از برنامه درسی مدارس حذف کنند، از کدام حق حاکمیت و احیای تفکر علمی و فنی در روسیه می‌توان صحبت کرد؟! در حالی که اینها موضوعات اصلی هستند، که توسعه علمی و فنی بر روی آنها بنا شده است. کسانی که پشت آموزش علوم طبیعی در مدارس قرار دارند، سعی می‌کنند آموزش مهندسی را از برنامه درسی حذف کنند. از این رو، تلاش‌های مداوم برای جایگزینی مهندسان با کارشناسان و کارشناسان ارشد به عمل می‌آید. به این ترتیب، قصد دارند روسیه را از امکان توسعه طرح‌های عظیم خود، و از ورود مجدد به خط مقدم در جهان محروم نمایند.

اکنون یک هجوم تحت عنوان رقی کردن آموزش و تحصیل از راه دور بر سر ما آوار می‌شود. جالب است در رأس این فرایند جناب گرمان گراف، اقتصاددان و بانکدار قرار دارد که در حال انجام یکسری آزمایشات مشکوک در تعدادی از مدارس روسیه می‌باشد. ماهیت زشت آزمایشات او را نیکیتا میخالکوف، کارگردان نامدار در برنامه "بیساکون" بروشنی و به طرز قانع کننده‌ای نشان داد.

در ماه نومبر سال ۲۰۱۶، دولت پروژه "محیط آموزشی دیجیتال مدرن" را تصویب کرد. اجرای این طرح طبیعتاً به انحلال کامل مدارس مرسوم منجر خواهد گشت. دیگر نیازی به معلمان مدارس با کیفیت سابق نخواهد بود. آنها می‌باید در نقش ناظر عمل کنند. اما برای این که معلمان مشغول تدریس به روش مرسوم کنار بروند، شکل جدیدی برای تأیید گواهی معلمان (شبهه آزمون سراسری) اندیشیده‌اند. کارشناسان "بنیاد ملی رشد معلمان" آماده هستند این آزمایش را در سال ۲۰۲۱ برای همه معلمان اجباری کنند و به طوری که در طرح تعریف شده، گذار به مدرسه الکترونیک روسیه از سال ۲۰۲۵ آغاز خواهد شد. به نظر من، تصور ابعاد جنایت بزرگ علیه آینده کشور و نسل‌های جدید آن دشوار است.

هدف از آموزش از راه دور که به بهانه مبارزه با شیوع کروناویروس سعی می‌کنند در مدارس متوسطه و عالی به اجراء بگذارند، جدائی کامل اولیای محصلان و جامعه معلمان می‌باشد. اجرای برنامه تدریس "غیرحضوری" به معنای این است که کودکان و نوجوانان ساعت‌ها در جلو صفحه کامپیوتر و صفحه کوچک تلفون‌های همراه خواهند نشست. آسیب به سلامتی جوانان از این طریق باعث نگرانی عمیق متخصصان بیماری‌های شغلی گردیده است.

استفاده طولانی مدت از کامپیوتر و تلفون همراه موجب اختلال در روانشناسی کودکان، مانند تحریک‌پذیری، تضعیف معنایی و حافظه بلند مدت، کاهش تمرکز و سرعت واکنش، اختلال خواب می‌شود. مثلاً، در فرانسه تلفون همراه و پلانشنت در مدارس ممنوع شده است.

امروزه اصطلاح "زوال عقل رقمی" ابداع شده است. کودک با غرق شدن در دنیای مجازی، به جای رشد کامل فکری و اخلاقی، ابتداء عادت می‌کند، فقط انگشت خود را روی دکمه فشار دهد. کامپیوتر با ارائه اطلاعات مورد نیاز، جایگزین مغز می‌شود. کودکان به طور فزاینده‌ای به تلفون‌های هوشمند و اسباب‌بازی معتاد می‌شوند. بسیاری از دانشمندان آن را به صراحت یک ماده مخدر رقمی می‌نامند. تحقیقات نشان می‌دهد، این فن‌آوری‌ها مانند کوکائین بر غشاء مغز در ناحیه پیشانی تأثیر می‌گذارد.

اگر در مدرسه اتحاد شوروی کودکان ابتداء آموزش با کیفیت بالا و اجباری برای همه می‌دیدند و سپس تصمیم می‌گرفتند در عرصه حرفه‌ای به چه کاری مشغول شوند، اکنون در مراحل اولیه آموزش به جای آنها تصمیم خواهند گرفت، اکنون از کتاب‌های درسی رقمی با هوش مصنوعی استفاده خواهند کرد. این هوش مصنوعی با پیگیری درجه موفقیت هر دانش‌آموزی، الگوریتم زیر را تعریف خواهد کرد: ضعیف - ساده شده، قوی - رو به جلو. به این ترتیب، برخی از کودکان به تدریج به افراد "یک دکمه"، برخی دیگر از کودکان به توسعه دهنده این "دکمه" تبدیل خواهند شد. البته، برای "نخبگان"، یعنی فرزندان ثروتمندان هم آموزش وجود خواهد داشت، اما رقمی‌سازی برای آنها اعمال نخواهد شد.

بر این اساس، آموزش رقمی (دیجیتالی) به مثابه کاست (امتیاز طبقاتی) تصور می‌شود. این ایده توسط آژانس ابتکارات ستراتیژیک و بنیاد "سوکولوف"، مدرسه مدیریت مسکو، مدرسه عالی اقتصاد و دیگر ساختارها و همچنین، تجارت مالی، شرکت‌های فناوری اطلاعات، که منافع شرکت‌های دیجیتالی چند ملیتی را نمایندگی می‌کنند و البته، توسط مقامات تبلیغ می‌شود.

عجیب نیست، که، بنا به داده‌های مرکز بررسی افکار عمومی روسیه، ۹۳٪ شهروندانی که فرزند یا نوه در سن مدرسه دارند، بازگشت به قالب آموزش و پرورش سنتی را ضروری می‌دانند. با این وجود، مقامات محلی در برخی از مناطق مستقیماً به والدین فشار می‌آورند تا رضایت آنها را برای گذار به آموزش از راه دور جلب کنند. و این در حالی است که عدم اتصال پایدار به اینترنت و نبود تجهیزات لازم در خارج از شهرهای بزرگ، یادگیری از راه دور را بسیار غیرقابل اعتماد می‌سازد.

بنا به ارزیابی کارشناسان، ۷۰٪ دانشجویان و ۸۵٪ مدرسان دانشگاه‌ها شکل عیانی تحصیل را ترجیح می‌دهند. دانشجویان اطمینان دارند، که آموزش غیرحضوری تحمیل شده به آنها روش دیگری از خودآموزی می‌باشد. زیرا، رابطه مستقیم آنها را با استادان قطع می‌کند و از مشارکت در کارهای آزمایشگاهی و عملی محروم می‌سازد.

بررسی شیوه آموزش دیجیتالی در اروپا ثابت می‌کند، که در تمام مدارس کشورها، هر جا که به اجرای آن دست زدند، نتایج آموزشی کودکان بشدت بد شد. در هیچ مدرسه‌ای نتیجه مثبت مشاهده نگردید. در همه جا توانایی کودکان در فهم آنچه که نوشته شده، درک از دانش ریاضی به سرعت در حال سقوط است. بی سبب نیست، که بسیاری از محققان مشهور خارجی آموزش دیجیتالی را "کارخانه تولید کودن" می‌نامند.

این مدعا را که "بازگشت کودکان به مدرسه برای تحصیل و تندرستی آنها اهمیت حیاتی دارد و وقت صرف شده در بیرون از مدرسه، به رشد شناختی و تحصیلی کودکان، به ویژه، کودکان خانواده‌های فقیر آسیب جدی می‌رساند"، نه مخالفان، بلکه، وزارت آموزش و پرورش انگلستان مورد تأکید قرار می‌دهد.

در نتیجه اعمال این همه خشونت علیه نظام آموزشی، بسیاری از فارغ‌التحصیلان مدارس روسیه نه تنها نمی‌توانند صحیح بنویسند، حتی به بیان صریح افکار خود قادر نیستند. در مدرسه، عملکردهای تربیتی کودکان و راهنمایی شغلی آن‌ها عملاً لغو شده است.

هدف همه‌آغازگران این "اصلاحات" وحشیانه عبارت است از تخریب معنویات و فرهنگ ملت، تغییر مختصات ژنتیکی آن. همه اینها پروژه نازی‌ها دایر بر محروم کردن مردم اسلاو سرزمین‌های فتح شده از هر گونه تحصیل و ساده‌ترین تمرینات ذهنی را یادآوری می‌کنند. جوهر این "تحولات" چیزی نیست جز پروژه تبدیل خلق‌ها به بردگان بی‌فکر برای خدمت به گونه اقتصاد مبتنی بر مواد خام، تبدیل روسیه از کشوری با بالاترین دستاوردهای معنوی، فرهنگی، علمی و فن‌آوری به یک "معدن، جنگل‌خوار و خطوط لوله نفت و گاز". این بدان معناست که علاوه بر نابودی فیزیکی مردم روسیه به عنوان تشکیل دهنده یک کشور، همچنین، به معنای زوال فکری جامعه است.

ما نباید اجازه دهیم این اتفاق بیفتد. آزمایش وحشیانه در عرصه آموزش و پرورش باید فوراً متوقف شود.

حزب کمونیست فدراسیون روسیه از سالهای زیادی پیش با تعیین گروه متخصصان که رأس آن ژورس ایوانویچ آلفیوروف برنده جایزه نوبل قرار داشت، برای تصویب قانون "تحصیل برای همه" تلاش می‌کند. در این قانون، آموزش و پرورش کامل و رایگان برای همه پیش‌بینی شده است. ما مطمئنیم که با حمایت جامعه والدین، معلمان و همه شهروندان روسیه برنامه‌های "اصلاح‌طلبان" را لغو و، نظام تحصیلی خود را دوباره به بهترین شکل آموزش و پرورش در جهان تبدیل خواهیم کرد. میهن ما بار دیگر به دستاوردهای عظیم خود افتخار خواهد کرد. ما برای رسیدگی فوری به این موضوع در اجلاس هر دو مجلس، شورای دولتی و شورای امنیت روسیه پافشاری می‌کنیم.

۱۸ آذر - قوس ۱۳۹۹

منابع:

<http://www.sovross.ru/articles/2058/50356>

یادداشت:

نشر این مطلب آموزنده، نباید به هیچ وجه به معنای تأیید شخصیت و مواضع سیاسی نویسنده مقاله و حزبی که آن را رهبری می‌نماید، تلقی گردد.

پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" ضمن آن که مواضع ضد انقلابی نویسنده و حزبش را در قبال تجاوز رهنانه شوروی بر افغانستان تقبیح و محکوم می‌نماید، از تمام خوانندگان پورتال صمیمانه تقاضا دارد تا این مقاله را که فقط یادی گذرا از دستاوردهای شوروی دارد و آگاهانه از طرح تخریب شوروی بعد از مرگ مشکوک "ستالین" طفره می‌رود، با دقت خوانده، متوجه این نکته باشند که امپریالیسم در تمام کشور های جهان به اشکال مختلف دشمنی اش را با مکتب، معارف و آموزش به پیش می‌برد، در کشور ما با سلطه مسجد و ملا بر مکتب و معلم و در سایر کشور های جهان با روش های دیگر.

اداره پورتال- AA-AA